

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دروس شرح اشارات و تنبيهات

نمط چهارم

تقریرات درس حضرت استاد علامه ابو الفضائل بقية الاولياء
آية الله العظمى حسن حسن زاده آملی متع الله الموحدين بطول بقائه الشريف

به اهتمام: سيدعلی حسینی آملی

حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۰۷ -
دروس شرح اشارات و تنبیہات ابن سینا نمط چهارم /
حسن حسن زاده آملی؛ باہتمام علی حسینی آملی. - قم:
مطبوعات دینی، ۱۳۸۶.
۳۱۸ ص.

ISBN: 964-8818-46-0

فہرستویسی پر اساس اطلاعات فیما.
کتابنامہ بصورت زیر نویس.
نمایہ.

۱. ابن سینا، حسین بن عبد اللہ، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. الاشارات
و التنبیہات - نقد و تفسیر. ۲. فلسفہ اسلامی - متون قدیمی
تا قرن ۱۴. ۳. عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴ - الف. ابن سینا،
حسین بن عبد اللہ، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. الاشارات و التنبیہات. شرح.
ب. حسینی آملی، علی، ۱۳۳۸ - مصحح. ج. عنوان.
د. عنوان: الاشارات و التنبیہات. شرح.

۱۸۹/۱

BBR ۴۱۵ ح ۵ د ۴

۱۳۸۶



مطبوعات دینی

قم، خیابان ارم، شماره ۲۸۵

تلفن: ۷۷۴۲۸۴۷ - ۲۵۱۰

مرکز بخش: کتابسرای اشراق

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۸۶

تلفن: ۷۷۴۴۶۵۰ - ۲۵۱۰

www.eshraqco.com

دروس شرح اشارات و تنبیہات

نمط چهارم: فی الوجود و عللہ

ابن سینا

حضرت علامہ حسن زاده آملی

باہتمام: سید علی حسینی

• چاپ: طہ (ص) • فیثوگرافی: سجاد • شمارگان: دو ہزار جلد • نوبت چاپ: اول، زمستان ۸۶

ISBN: 964-8818-46-0

شابک: ۹۶۴-۸۸۱۸-۲۶-۰

قیمت: ۳۲۵۰۰ ریال

فهرست مطالب

۱۵		مقدمه
۱۵		ماتن کتاب
۱۶		شارح کتاب
۱۸		مدرس کتاب
۱۹		جایگاه مباحث معقول در علوم حوزوی
۲۰		در معنی حکمت
۲۱		ویژگیهای این کتاب
۲۳		تذکر چند نکته
۲۷		الْتَمَطُ الرَّابِعُ فِي الْوُجُودِ وَعِلَلِهِ
۲۸		بیان عنوان حقیقت هستی (موضوع بحث علوم عقلی)
۲۹		حق، صمد است
۳۰		سخنی در حقیقت جعل، که جعل چیست و جاعل کیست و مجعول کدام است؟
۳۱		در معنی علل وجود
۳۲		مراتب تشکیک
۳۲		اطلاقات بسیط
۳۳		الفصل الاول
۳۳		*(تنبيه)*
۳۴		فصل اول: تنبيه
۳۵		تفسیر ده‌رین از حقیقت هستی
۳۵		تفسیر علماء الهی از حقیقت هستی
۳۵		ابطال تسلسل برای هدایت عالم ده‌ری کافی نیست

۳۵	تمجید حضرت امام صادق علیه السلام از معلم اوّل
۳۶	راهی از محسوسات به معقولات و ماوراء طبیعت
۳۶	طریق طیران عقل
۳۷	طهارت سرّ، راهی به عالم عقل
۳۷	تعقل با تعلق جمع نمی شود
۳۸	در بیان مفهوم وَهْم
۳۸	اثبات امور غیر محسوس از راه علم به محسوس
۴۱	حکومت عقل بر همه قوای ادراکی، راهی به سوی ملکوت
۴۱	قوای نظری و عملی دو بال پرواز به سوی کمال انسانی
۴۳	اثبات وجود طبایع از راه وجود محسوسات
۴۴	اعتراض بر گفتار شیخ رییس
۴۵	جواب اعتراض
۴۶	الفصل الثانی
۴۶	فصل دوّم: وهم و تنبیه
۴۷	اقسام تمایز
۴۷	انسان موجودی معقول است
۴۸	اثبات موجود مجرد از راه مجرد علم و عالم
۴۹	الفصل الثالث
۵۰	فصل سوّم: تنبیه
۵۰	قوه حسّ و وهم محسوس نیستند
۵۰	طبایع کلی و اوصاف غیر محسوس در انسان
۵۲	الفصل الرابع
۵۳	فصل چهارم: تذنیب
۵۳	سراسر صنع دلدارم بهشت است
۵۴	اطلاقات حقّ
۵۷	دستور علمی از علامه طباطبائی (ره)

۵۸	الفصل الخامس
۵۸	فصل پنجم: وجه حصر علل به اربعه
۶۱	وعاء تحقق ماهیت، ذهن است.
۶۱	علت و معلول مبان از یکدیگر با توحید صمدی سازگار نیست
۶۳	تشبیه خط و سطح در مثلث به ماده و صورت
۶۵	الفصل السادس
۶۵	فصل ششم: تنبیه
۶۶	معلول، وجودی مستقل از علت ندارد.
۶۷	فرق علل وجود و علل ماهیت
۶۸	الفصل السابع
۶۸	فصل هفتم: «اشاره»
۶۹	محبت طرفینی حق و خلیفه حق (آدم)
۶۹	قوام ماهیت به جنس و فصل اوست
۶۹	هر متحرکی محتاج به حافظ و جامع است.
۷۰	فی ان للطبیعة غایة
۷۱	کیفیت تعلق علل به یکدیگر
۷۲	پیوند ماده و صورت راهی به سوی ماوراء طبیعت
۷۳	علت غائی، علت فاعلیت فاعل
۷۴	فرق معلول مبدع و معلول محدث
۷۵	معرفت نفس راهی به سوی معرفت رب
۷۶	تفکیک بین علت تامه و معلول معقول نیست
۷۷	اعتراض فاضل شارح بر کلام ماتن
۷۸	جواب خواجه از اشکال فخر رازی سریان عشق در ماده کائنات
۷۹	ظهور و تجلی اسماء الهی به اعتدال مزاج است.

۸۰	الفصل الثامن:
۸۰	فصل هشتم: اشاره
۸۱	فقط عقل، اول مخلوق است.
۸۳	الفصل التاسع:
۸۴	فصل نهم: تنبيه
۸۵	مراتب برهان صدیقین در کتب عقلی
۸۵	برهان صدیقین امری تشکیکی است
۸۶	نفس الامر
۸۷	تقسیم موجود به واجب الوجود و ممکن الوجود
۸۷	فرق دو اصطلاح کون و فساد، حرکت جوهری
۸۷	در معنی قیوم
۸۹	الفصل العاشر:
۹۰	فصل دهم: اشاره
۹۱	الفصل الحادی عشر:
۹۱	فصل یازدهم: تنبيه
۹۱	اثبات واجب الوجود بالذات به بطلان دور و تسلسل
۹۳	معیت وجودی قیومی علت تامه با معلول
۹۴	تفاوت علیت علت تامه و علت ناقصه
۹۵	احاطه علمی معلول به علت محال است
۹۵	در معنی فیض
۹۶	طرح فاضل شارح در بیان مطالب این فصل
۹۶	نکته سامیه
۹۶	دستور سوگند
۹۸	مناقشه‌ای از فخر رازی
۹۹	جواب خوانجه از مناقشه فخر رازی
۱۰۰	دور باطل است

۱۰۱	الفصلُ الثانی عَشَر.....
۱۰۲	فصل دوازدهم: احتیاج ممکنات به علت ایجادى.....
۱۰۴	کل مجموعى و کل افرادى.....
۱۰۴	اقسام ترکیب.....
۱۰۷	الفصلُ الثالثُ عَشَر.....
۱۰۸	فصل سیزدهم: هر علت مجموعه‌ای اولاً علت آحاد است.....
۱۰۹	برداشت فخررازی از متن کتاب.....
۱۰۹	جواب خواجه از برداشت فاضل شارح.....
۱۰۹	خواجه عبارت کتاب را تفسیر می‌کند.....
۱۱۰	الفصلُ الرابعُ عَشَر.....
۱۱۰	فصل چهاردهم: اشاره.....
۱۱۰	هر مجموعه‌ای لامحاله دارای طرف خواهد بود.....
۱۱۱	اذن الله تکوینی در سراسر تأثیرات امکانی جاری است.....
۱۱۱	انسان کامل خلیفه الله است.....
۱۱۳	این مقدار بحث با عالم مادی کافی نیست.....
۱۱۴	الفصلُ الخامسُ عَشَر.....
۱۱۵	فصل پانزدهم: اشاره.....
۱۱۵	طرف عالم وجود، باید واجب الوجود باشد.....
۱۱۵	کلمات الهی نقاد ندارد.....
۱۱۷	از ابطال تسلسل، ابطال دور نیز استفاده می‌شود.....
۱۱۸	الفصلُ السادسُ عَشَر.....
۱۱۸	اشاره و فی بعض النسخ تنبيه.....
۱۱۹	فصل شانزدهم: اشاره.....
۱۱۹	بیان مقدمه‌ای در توحید واجب الوجود.....
۱۲۰	مراتب و انحاء تعین و تمایز.....

۱۲۳	 الفصل السابع عشر
۱۲۳	 إشارة
۱۲۴	 فصل مقدم: اشاره
۱۲۴	 مقدمه دوم در توحید واجب الوجود
۱۲۴	 اقسام سبب
۱۲۴	 بین علت و معلول سنجیت است
۱۲۵	 سیر و سلوک عرفانی هرکس به قدر سعه وجودی خودش مقدور است
۱۲۶	 فرق بین وجود شیء و صفات آن
۱۲۶	 کلامی از شیخ در نص بر اصالت وجود
۱۲۸	 اضطراب فاضل شارح
۱۲۸	 نصیحت به اهل قلم و بیان
۱۲۹	 داستان: غذای نفس طیب
۱۲۹	 مهم ترین ریاضتها
۱۲۹	 در معنی سکینه و وقار
۱۳۰	 تأکید بر حفظ قداست لباس روحانیت
۱۳۰	 پنداری از فخر رازی که باعث اضطراب وی شد
۱۳۱	 ضرورت حضور استاد
۱۳۱	 بیان شیخ در توحید صمدی
۱۳۲	 (تَحْقِيقُ الْأَشْثَرَاكِ الْمَعْنَوِيِّ لِلْوُجُودِ عَلَى التَّشْكِيكِ)
۱۳۳	 منشأی غلط فاضل شارح
۱۳۳	 وجود به اشتراک معنوی و به تشکیک بر مصادیق خود حمل می شود
۱۳۴	 تشکیک در ماهیت نیست
۱۳۶	 وظیفه شارح در شرح کتاب
۱۳۶	 تشکیک در وجود به اعتبار مکاتب سه گانه
۱۳۷	 در فلسفه مشاء وجودات را حقایق متباینه می دانند
۱۳۷	 تقسیم وجود به واجب و ممکن

۱۳۸	منشأ اختلاف مراتب وجود است نه ماهیت
۱۳۹	ممکنات به تمام جهت از واجب نازل نشدند
۱۴۰	تصفیه فکر و تطهیر باطن زمینه ساز توحید صمدی قرآنی
۱۴۱	طرح شبهات فخریه
۱۴۱	اولین شبهه
۱۴۲	جواب شبهه اول
۱۴۴	شبهه دوم
۱۴۴	جواب شبهه دوم
۱۴۵	تعجب صدر المتألهین از فخر رازی
۱۴۵	معرفت حقیقت وجود از دو طریق امکان دارد
۱۴۶	تبصره: بعضی از بزرگان عرفان را برهانی کردند
۱۴۶	قرآن و عرفان و برهان از یکدیگر جدائی ندارند
۱۴۷	شبهه سوم
۱۴۷	جواب شبهه سوم
۱۴۸	شبهه چهارم
۱۴۹	جواب شبهه چهارم
۱۵۰	اعتراض فخر رازی به ماتن
۱۵۰	جواب اعتراض
۱۵۳	اعتذار خواجه از تفصیل و تطویل بحث
۱۵۴	الفصل الثامن عشر
۱۵۶	فصل هجدهم: «اشارة» استدلال بر توحید واجب الوجود
۱۵۶	تعیین به تشخیص منتهی می شود
۱۵۸	واحدیت و احدیت
۱۶۱	تفصیل اقسام
۱۶۶	مائده عام و خاص الهی
۱۶۷	معیت قیومی با وحدت عددی سازگار نیست

در صورت تفتیش و تحقیق اختلافی بین فرقی نیست.....	۱۶۷
و جوب و امکان و امتناع از اوصاف اعتباری عقلی اند.....	۱۷۰
دشواری تعبیر از متن واقع و حقیقه الحقائق با الفاظ رایج.....	۱۷۰
شبهه معروف از فخر رازی.....	۱۷۲
معرفت طبیعت به دو تعبیر.....	۱۷۳
عدم مطلق و عدم مضاف.....	۱۷۴
حمل بر دو قسم است. من صمیمه و بالضمیمه.....	۱۷۴
وجود، طبیعت نوعیه نیست.....	۱۷۵
الفصل التاسع عشر.....	۱۷۶
فصل نوزدهم: فایده.....	۱۷۷
هر طبیعت نوعیه ای منحصر در فرد است.....	۱۷۷
اصناف ملائکه.....	۱۷۷
وجه امکان تکثیر طبیعت نوعیه.....	۱۷۸
کلام حقّی از فاضل شارح.....	۱۷۹
باز هم کلامی ناموزون فخریه.....	۱۸۱
جواب اعتراض فاضل شارح.....	۱۸۱
الفصل والعشرون.....	۱۸۳
فصل بیستم: تذنیب.....	۱۸۳
نتیجه مباحث توحیدی.....	۱۸۳
الفصل الحادی والعشرون.....	۱۸۴
فصل بیست و یکم: اشاره.....	۱۸۵
مقام اَحَدِیَّت واجب الوجود.....	۱۸۵
تعبیر به احد و واحد از ضیق لفظ و تفخیم است.....	۱۸۵
مدبّر کشور هستی «الله» است.....	۱۸۶
«هو» اسم اعظم است.....	۱۸۷
تفسیر وحدت وجود.....	۱۸۸

گذری به دفتر دل	۱۸۹
اقسام ترکیب	۱۹۰
سؤال مقدّر و جواب	۱۹۱
تقریر برهان به سور سالبه کلیه	۱۹۲
شبهه ابن کمونه ورد آن	۱۹۲
نکات ادبی عبارت:	۱۹۳
برداشت و فهم فخر رازی از عبارت متن کتاب	۱۹۳
اعتراض خواجه بر فاضل شارح	۱۹۶
الفصل الثانی والعشرون	۱۹۷
فصل بیست و دوم: اشاره	۱۹۸
ماهیت حضرت حق - سبحانه و تعالی - عین اثبّت اوست	۱۹۸
- تذکر (مبنای حکماء مشاء در توحید با توحید صمدی قرآنی سازگار نیست)	۱۹۸
- هلاکت دو طائفه در مورد شخصیت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام	۱۹۹
همین مطلب در مورد همه موجودات هم می آید	۲۰۰
الفصل الثالث والعشرون	۲۰۳
فصل بیست و سوم: تنبیه	۲۰۴
در این که حق - سبحانه و تعالی - جسم و جسمانی نیست	۲۰۴
الفصل الرابع والعشرون	۲۰۸
فصل بیست و چهارم: اشاره	۲۰۹
- نفی ترکیب در حق - سبحانه و تعالی - به حسب ماهیت	۲۰۹
طرق سیر الی الله به عدد انفاس خلایق	۲۱۰
- توحید در فلسفه مشاء	۲۱۰
فرق تعین و تشخیص	۲۱۱
- تمایز تقابلی و تمایز محیطی و محاطی	۲۱۱
تصور ماهیت در سه وعاء	۲۱۳
راه های ارتباط به خارج (مراحل تحصیل علم به حقائق اشیاء)	۲۱۵

۲۱۵	تعریف به حد و رسم
۲۱۶	بساطت تعریف به حد ندارند
۲۱۶	دسترسی به حقیقت اشیاء در غایت اشکال است
۲۱۷	طریق معرفتی فوق طور عقل
۲۱۸	اثر طهارت
۲۲۰	تشبیه‌ای از فخر رازی
۲۲۱	جواب خواجه از اشکال فخر رازی
۲۲۳	الفصل الخامس والعشرون
۲۲۴	طرح شبهه‌ای که جوهر، جنس واجب الوجود باشد
۲۲۷	تحلیل کلام شیخ - ره
۲۲۸	طرح ارتباط مباحث
۲۲۹	الفصل السادس والعشرون
۲۲۹	فصل بیست و ششم: اشاره
۲۲۹	واجب تعالی ضد ندارد و دو وجه در معنی ضد
۲۳۰	وجه دوم و اصطلاح خواص در معنی ضد
۲۳۱	الفصل السابع والعشرون
۲۳۲	فصل بیست و هفتم: تنبیه
۲۳۲	اول تعالی تعریف به حد ندارد، و قابل اشاره نیست مگر به شهود و عرفان عقلی
۲۳۲	اشاره عقلی بر دو قسم است:
۲۳۳	مشاهده حضوری هرکس به قدر حیطه و سعه وجودی خودش است
۲۳۴	شیخ صدوق - ره - روایات باب رؤیت را نقل نکرد
۲۳۵	نکته سامیه: مراتب مختلف در بیانات حضرت ائمه معصومین (علیهم السلام) در معرفت ربوبی
۲۳۶	دفاع از شخصیت مانن در قول به وحدت شخصی وجود
۲۳۷	الفصل الثامن والعشرون
۲۳۸	علم واجب - تعالی - به ذات خویش و ماسوای خویش
۲۳۹	تبصرة: تنزیه در عین تشبیه

۲۴۰	چهار ملک حامل عرش الهی و انسان کامل حامل همه اسمای حسناى الهی است
۲۴۱	انحاء تعلق
۲۴۱	ماده خارجى و ماده عقلى
۲۴۳	الفصل التاسع والعشرون
۲۴۴	فصل بیست و نهم: تنبیه
۲۴۴	بیان مراتب برهان صدیقین
۲۴۴	ملاحظه اولیاء الهی به سطح فهم مخاطب
۲۴۵	همت بلند در فهم کلام اولیاء الهی
۲۴۶	نکته‌ای شریف
۲۴۷	چه دلنشین است چندی با الهی نامه باشیم
۲۴۸	تشکیک در برهان صدیقین بر مبنای مراتب ایمان بالله - تعالی - است
۲۵۰	مذهب متکلمین در اثبات بارى تعالی
۲۵۰	برهان متکلمین تام نیست
۲۵۰	استدلال حکماء طبیعى الهی بر اثبات واجب - تعالی -
۲۵۱	مراحل تجلیات حق - سبحانه - در مظاهر
۲۵۲	استدلال حکماء مشاء بر اثبات واجب - تعالی -
۲۵۲	ترجیح مرام شیخ بر مرام متکلمین و طبیعیین
۲۵۳	در طریق حق، یقین کارساز است یا کمال انسان در تحصیل یقین است
۲۵۳	در معنی صدیق
۲۵۵	نمایه ها
۲۵۷	آیات
۲۶۱	روایات
۲۶۴	اشعار فارسى
۲۶۷	اصطلاحات
۲۷۲	اعلام
۲۷۴	امکنه
۲۷۵	منابع

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدى لولا ان هدانا الله
ثم الصلاة والسلام على رسول الله و اله الاطهار الذين اذهب الله عنهم الرجس
اهل البيت و طهرهم تطهيراً

آنچه که پیش روی شماست متن و شرح و دروس نمط چهارم از کتاب «اشارات و
تنبيهات» از مباحث معقول بر مبناء حکمت مشاء است.

ما تین کتاب، ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسین (یا حسن) علی بن سینا معروف
به شیخ رییس است. که حقیقت توحید را بر مبنای معارف قرآن «هو معکم اینما
کنتم»^(۱) بیان نموده چه این که می گوید: «انّ علة الوجود للشیء تكون موجودة معه»^(۲)
و گویا بر اساس تعالیم اولیاء الهی از جمله قول حضرت امام جعفر صادق علیه السلام: «ما
رأیت شیئاً الا و رأیت الله قبله و بعده و معه»^(۳) و قول حضرت امیرالمؤمنین امام
العارفین و الموحّدين علیه السلام: که فرمود: «لم اکن بالذی اعبد رباً لم ارد»^(۴) این توحید را
قابل ادراک می داند، چنان که می گوید: «و لا اشارة اليه الا بصريح العرفان العقلي».^(۵)
لکن هشدار می دهد که:

عنقاء شکار کس نشود «جلّ جناب الحق عن أن يكون شريعة لكل وارد أو يطلع

۱. حدید / ۵۷، آیه، ۴. ۲. کتاب شفاء - الهیات، مقاله، ۸، فصل ۱.

۳. المراقبات - میرزا جواد آقا ملک تبریزی، ص ۱۰۸ فصل - مراقبات شهر رمضان.

۴. توحید صدوق، ص ۳۰۵ - اختصاص، مفید ص ۲۳۶.

۵. نمط ۴، فصل ۲۷.

عليه الاّ واحد بعد واحد»^(۱) بلکه «انّ الرّاحل اليك قريب المسافة و أنك لا تحتجب عن خلقك الاّ أن تحجبهم الاعمال دونك»^(۲).

بلکه به گفته حافظ:

حجاب ره تویی حافظ از میان برخیز خوشا کسی که در این راه بی حجاب رود
و آن دیگری آورده:

آئینه ساز دل جمال پری طلعتان طلب جارو بکن به خانه سپس میهمان طلب
و خود شیخ در برابر رهیافتگان و اصل به این مقام خضوع کرده می گوید که: «اینان رب انسانی اند و چیزی نمانده که بگویم بعد از عبادت خداوند متعال عبادت اینان جایز باشد، در حالی که امور بندگان خدا به اینان تفویض شده است. چه این که چنین کسی سلطان عالم ارضی و خلیفه الله است»^(۳).

و همو نیز حل معضلات علمی خویش را در مکتب نماز و عبادت و مسجد و تعظیم و ابتهال به حضرت حق جل جلاله می دانست.^(۴)

و شارح کتاب: حکیم و فیلسوف و استاد الحکماء و المتکلمین ابو جعفر محمد بن حسن طوسی - ره -، معروف به محقق طوسی و خواجه نصیرالدین طوسی است. علامه حلی در حق او گفت: «این شیخ افضل اهل زمانه اش در علوم عقلی و نقلی بوده و استاد بشر و عقل حادی عشر است»^(۵) و بعضی ها هم او را «استاد الکائنات» لقب داده اند.^(۶) او مردی است که بعد از ابن سینا سرآمد همه دانشمندان علوم عقلی است و در حق او باید گفت که او «نصیرالدین» است. علماء و حکماء را به دور خود جمع کرده و با همکاری آنان رصدخانه مراغه آذربایجان را برپا نموده است. و در جنب آن کتابخانه ای با حدود چهار صد هزار جلد کتاب بنا نهاده است.^(۷)

۱. نمط ۹ - فصل آخر (۲۷). ۲. مفاتیح الجنان، دعاء ابو حمزه ثمالی.

۳. کتاب شفاء - آخر الهیات.

۴. اعیان الشیعه، شرح حال ابن سینا، ج ۶، ص ۷۳ چاپ بیروت.

۵. اعیان الشیعه، شرح حال خواجه محقق طوسی، ج ۹، ص ۴۱۵ - ۴۱۶ - ۴۱۷.

۶. همان. ۷. همان.

و در همین راستا قایل بوده که اگر روزی امت اسلامی توان مقابله نظامی با دشمن را نداشته باشد، هرگز از مقابله با علم و فرهنگ و دعوت حسنه ناتوان نیست.^(۱)

جناب خواجه در باب توحید عقیده به مراتب ایمانی داشته و مرتبه عالی آن را «وحده لا شریک له فی الوجود»^(۲) و به زبان حال گوید: «أنتی وجهت وجهی للذی فطر السموات والأرض حنیفاً مسلماً و ما انا من المشرکین»^(۳) و نیل به این مقام را در فانی شدن در توحید می دانست که:

هرچه در نطق آید و در وهم آید و هرچه عقل بدان رسد جمله منتفی گردد «الیه یرجع الامر کله»^(۴).

و از همین محقق عالی مقام رسیده است که: اگر عبدی در فردای قیامت محبت همه انبیاء و مرسلین و اولیاء را دارا باشد و با طوع و رغبت روزها را روزه و شبها به عبادت مشغول باشد و مکرراً حج به جای آورد و طوافها نماید و قدرت سیر در هوا و دریا داشته باشد و بر ایتام لباس دیا بپوشاند و گرسنه ها را به غسل سیر نماید و هزاران تألیف قلوب در انسانها بنماید و خود هرگز مرتکب خطاء نشود، برای او نفعی نخواهد داشت مگر محبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام.^(۵)

و در اواخر عمر شریفش وصیت کرده که مرا در کنار بارگاه ملکوتی امامین همامین کاظمین علیهما السلام دفن کنید.^(۶) چه این که در آن روزگار جنازه علماء و بزرگان قوم را برای خاکسپاری به نجف اشرف کنار مرقد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منتقل می کردند. جناب ایشان چنین وصیت نموده تا از این رهگذر گردی از بی اعتنائی و اسائه ادب به حریم کبریائی این دو امام بزرگوار (کاظمین) ننشیند.^(۷)

و در مورد لوح قبرش دستور داد مبادا بر قبرم از اصطلاحات متعارف چیزی بنویسید که مثلاً: آیه الله فقیه - متکلم، فیلسوف، ریاضی دان و... بلکه به این آیه شریفه

۱. همان. ۲. اوصاف الاشراف، باب ۵ فصل ۴.

۳. انعام ۷۹/۶. ۴. اوصاف الاشراف، باب ۶ در فتاء.

۵. اعیان الشیعه، ج ۴۱۹/۹ - چاپ بیروت - اصل شعر به زبان عربی نقل به ترجمه و اختصار.

۶. همان، ص ۴۱۸. ۷. نقل شفاهی از محضر استاد، مد ظله.

متبرک شویم که: «و کلبهم باسط ذراعیه بالوصید»^(۱) با اشاره به قصه اصحاب کهف، که اگر اینان (حضرات ائمه معصومین علیهم السلام) اهل کهف حصین الهی اند، امثال من باید کلب نگهبان باب کهف آنان باشیم.^(۲)

و هدف از تحصیل و تدریس را تقرب الی الله و تحصیل رضایت خداوند متعال می داند، چه این که حدیث شریف از حضرت رسول اکرم ﷺ وارد شده که فرمودند: «لکل امرء مانوی» محصل در طریق تحصیل باید رضای خداوند متعال و ازاله جهل از خود و از سائرین و ابقاء اسلام و احیاء دین و امر به معروف و نهی از منکر را در نظر داشته باشد، و در این راه باید در برابر مشقتها صابر باشد و به قدر وسع خود تلاش نماید، و عمر خویش را صرف امور فانی نکند و خود را به طمع و حقد ذلیل نسازد و از تکبر احتراز نماید.

و در مورد مصاحبت با دوستان سفارش می نماید که:

تا توانی می گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها ترا بر جان زند یار بد بر جان و هم ایمان زند^(۳)

و مدرس کتاب: تدریس این متن و شرح از زبان کسی است که:

یک دهن خواهم به پهنای فلک تا بگویم شرح آن رشک ملک

وی در مقام بردالیقین، توحید حقیقی صمدی قرآنی را ادراک کرده چه این که «هو» در سوره مبارکه توحید «قل هو الله احد» را به هویت مطلقه^(۴) تفسیر نموده است.

و در مقام شهود توحید و نبوت مستمع مؤذن نظام عالم و همه ماسوی الله بوده و از مقام صادر اول تلقی کرده، که حضرت خاتم الانبیاء ﷺ بر جانب یمن که گویای تمامیت یمن است بر او اذان می گفت^(۵) و این اذان استماع و ارتباط جان لایق مولای مادر آن محضر بوده است، نه شنیدن به صورت طبیعی که شاید نصیب هر کس در این نشأه در زمان حیات آن حضرت می شد.

۱. کهف/ ۱۸، آیه/ ۱۸.

۲. نقل شفاهی از محضر حضرت استاد، مد ظله.

۳. جامع المقدمات، کتاب آداب المتعلمین.

۴. کلمه ۴۴۰ از ۱۰۰۱ کلمه.

۵. انسان در عرف عرفان، واقعه ۱۰.

او حق نبوت و ولایت را یافت و در صدد اداء آن بوده که می گوید: الهی حق محمد و آل محمد به ما عظیم است «اللهم صل علی محمد و آل محمد»^(۱) و خود به زیارت طلعت دلارای کتاب خدا تشریف حاصل کرده:

دولتم آمد بکف با خون دل آمد بکف حبذا خون دلی دل را دهد عز و شرف^(۲)
او ساقی نفوس مستعده از جام شراب ظهور توحید ناب صمدی قرآنی از کوثر زلال «صفاء خاصة الخاصة»^(۳) است.

او مبشر رحمت رحیمی حق تعالی و سبب اتصال حضیض ارض نفوس مستعد به ذروه سماء معارف حقه قرآن از مشرب «من خوطب بالكتاب العزيز» است.

او بقية الاولیاء، ابوالفضائل، ذوالفنون، جامع کمالات اساتیدی چون اعلام کرام حضرات آیات عظام، عارف کامل و فقیه عالی مقام مرحوم آیه الله العظمی رفیعی قزوینی - فیلسوف عارف کامل آیه الله العظمی محمد تقی آملی - معلم عصر آیه الله ابوالحسن شعرانی - استاد و عارف کامل آیه الله فاضل تونی - عارف کامل مکمل آیه الله سید محمد حسن الهی طباطبائی - استاد مفسر و فیلسوف و فقیه و ارسته سید محمد حسین طباطبائی - استاد آیه الله میرزا مهدی آشتیانی و... است.
او جان جانان آیه الله حسن حسن زاده آملی - مدظله و روحی فداه - است.

جایگاه مباحث معقول در علوم حوزوی

وزان مباحث معقول، کلام و فلسفه و عرفان نسبت به علم فقه، وزان اصول دین است نسبت به «فروع دین» چه این که تأکید بر فراگیری علوم معقول تأکید بر تحصیل مراتب یقین (علم الیقین، عین الیقین، حق الیقین و بر الدیقین) است که با علم و آگاهی تمام، به دور از هرگونه شائبه تقلید به طمأنینه نهایی نائل شدن و مخاطب به خطاب «یا ایها النفس المطمئنة» است که حصول نفس مطمئنه همان و مخاطب به خطاب «ارجع الی ربک راضیة مرضیة»^(۴) همان، که حق سالکان کوی حقیقت است. والا

۲. دیوان حضرت استاد روحی فداه صفحه ۸۳

۱. الهی نامه.

۴. سوره فجر / ۸۹ - آیه پایانی.

۳. مصباح الانس، چاپ سنگی، ص ۱۹۵.

خفتگان قبل از حرکت در سیر تکاملی را باید تنبیه و بیدار باش داد.

اگرچه آیه شریف «لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین»^(۱) از جامعیت قرآن مجید پرده برداشت. و سراسر عالم هستی علم انباشته است. و هر عالمی در هر گوشه از جهان هستی که مشغول تحصیل در هر رشته‌ای می‌باشد، مشغول تشریح آن مرتبه از وجود است چه این که علم، تشریح‌دار وجود است. لکن سرآمد علوم، علم الهی و شناخت ربوبیت عالم هستی است، و این است که «انما یخشی الله من عباده العلماء» و هر کس عالمتراست از خشیت بیشتری بهره‌مند است.

در معنی حکمت: در معنی حکمت به گفتار کافی و شافی جناب خواجه بسنده می‌کنیم:^(۲)

حکمت در عرف اهل معرفت عبارت بود از دانستن چیزها، چنانکه باشد، و قیام نمودن به کارها چنانکه باید به قدر استطاعت، تا نفس انسانی به کمالی که متوجه آن است، برسد. و چون چنین بود حکمت منقسم می‌شود به دو قسم یکی علم و دیگر عمل. علم تصور حقایق موجودات بود و تصدیق به احکام و لواحق آن چنانکه فی نفس الامر باشد به قدر قوت انسانی.

و عمل ممارست حرکات و مزاولت صناعات از جهت اخراج آنچه در حیز قوت باشد به حد فعل، به شرط آنکه مؤدی بود از نقصان به کمال برحسب طاقت بشری. و هرکه این دو معنی در او حاصل شود حکیمی کامل و انسانی فاضل بود و مرتبه او بلندترین مراتب نوع انسانی باشد. چنانکه فرموده است عز من قایل: «یؤتی الحکمة من یشاء و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً»^(۳) و این بیان خواجه در فهم این حدیث شریف کمک شایان می‌کند که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده است:

«لقاح الرياضة دراسة الحکمة و غلبة العادة»^(۴) زمانی ریاضت به بار می‌نشیند که از

۱. انعام/ ۶- آیه/ ۵۹.

۲. اخلاق ناصری - مقدمه مؤلف ص ۳۷- طبع انتشارات خوارزمی.

۳. بقره/ ۲- آیه/ ۲۶۹.

۴. علم و حکمت - ری شهری ۳۰۳- به نقل از غرر الحکم ۷۶۲۵.

روی حکمت باشد نه از عادت تن به عبادت دادن. چه این که در آیه شریف آمده: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ﴾^(۱) علم و حکمت قدرت تعقل قرآنی انسان را تقویت می کند.

ویژگیهای این کتاب:

- ۱- اگرچه کتاب حاضر (اشارات و تنبیهات) دارای شروح فراوانی است و در گذشته (زمان خواجه و قبل از آن) شرح فخررازی از جمله کتاب رائج فلسفی مراکز علمی بوده است، ولی از آنجائی که شرح مزبور بیشتر به جرح متن پرداخته بود تا به شرح آن، جناب خواجه اقدام به شرح کاملی که بیانگر مقصود مآتن بوده باشد، کرده است. و در ابتداء می گوید: بر خودم شرط می کنم که در این کتاب متعرض نظرات شخصی خودم نشوم، زیرا که تقریر و تفسیر نظر دیگران غیر از نقد و رد گفتار آنان است. که تعریض به فخررازی و ابوالبرکات بغدادی دارد.
- ۲- این کتاب پایه و اساس خوبی برای رسیدن به حقایق اسلامی است، همان گونه که جناب صدرالمآلهین در کتاب «اسفار اربعه» در موارد متعددی از افکار خواجه مدد می گیرد^(۲) و به تعبیر استاد علامه آیه الله العظمی رفیعی قزوینی رحمه الله که می فرمودند: شیخ عبارات اشارات را مانند سرب قالب ریزی کرده و در تعلیم و تعلم، آدم را ملا بار می آورد. جناب علامه طباطبائی رحمه الله صاحب تفسیر قیم المیزان می فرمودند: برای تمرین و ممارست در اقامه برهان و سیر استدلال، کتب شیخ رییس روش فکری خوبی است.
- شما هم اگر به نظم منطقی بحثهای نمطها توجه کنید به این حقیقت اذعان خواهید کرد. که شیخ به ابتدائی ترین و عامی ترین بحث جواهر اجسام اطراف خود توجه

۱. عنکبوت / ۲۹، آیه / ۴۲.

۲. رک: - به فهرست موضوعی کتاب الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه صدرالمآلهین قدس سره الشریف تدوین و تنظیم حجج اسلام سیدمحسن میری و محمدجعفر علمی صفحه ۱۷ - تحت عناوین کتب شیخ رئیس...

می‌دهد که عبارت از «تجوهر اجسام» بوده باشد. بعد به جهات و حدود اجسام پرداخته و بعد از بحث از جسم و حدود آن به عالم مجردات و نفوس روی آورده که عالم وجود، منحصر در عالم جسم و جسمانیات نیست و از راه اثبات نفوس مجرد و غیر مادی پا به عرصه اثبات وجود واجب نهاده که مورد بحث این دروس است. حالا که خدا را شناختید به صنع و ابداع الهی چشم بگشائید و از آنجا به غایات همه موجودات پی ببرید.

اکنون نوبت تجرید است تا بعد از بهجت و سروری که دست می‌دهد مقامات عارفین را نصب العین خود قرار داده و عارف می‌تواند به اسرار نهفته در آیات و موجودات واقف گردد و خود با گذراندن مقامات عالیه انسانی متصرف در ماده کائنات گردد.

همان‌گونه که ملاحظه نمودید شیخ از ابتدائی‌ترین مراحل بحث‌ها، سیر علمی کرده و از توجه به اجسام، انسان را قادر به تصرف در ماده کائنات می‌داند و رسیدن به علومی که دیگران از دست‌رسی به آن عاجزند، خبر می‌دهد. که غایت کمال انسانی است.

۳- سخنی با محصلین: این دروس صرف تبیین عبارات و شرح مصطلحات کتاب نیست. بلکه القائنات سبوحی و قدسی و نورانی و عرشی برای نفوس مستعده است که یاد خاطرات نقل شده از دروس عارف کامل بزرگوار آیه‌الله آقا سیدعلی قاضی طباطبائی و آخوند ملاحسینقلی همدانی را تداعی می‌کند. که در صدد تربیت اولیاء الله بوده‌اند.

آن کس که زکوی آشنائی است داند که متاع ماکجایی است

محصلین علوم الهی که واسطه فیض این‌گونه چشمه‌ساران زلال و جوشان و خروشان برای دشتهای خشکیده و تفتیده جانهای شقیق به کمال هستند، چه خوبست، به سان نهر و جدول سیمانی و بتونی... نباشیم که فقط بدون کم و کاست علوم و معارف را به دیگران عرضه کنیم و صرفاً از اصطلاحات علمی انباشته دیگران تمجید کنیم. «من آنم که رستم بود پهلوان» و خود تشنه و تهی از این سرمایه‌های گرانبها بوده باشیم. بلکه از نوع جدول خاکی که ابتداء خود را سیراب کرده و شجره طیبه جان خود

را پیروانیم و در معدن الهی کارگری باشیم که «لیس للانسان الا ما سعی»^(۱) سپس در صدد سیراب کردن تشنگان باشیم چه این که: «عالم یتنفع بعلمه»^(۲) باشیم.

۴- دیگر ویژگی این کتاب آن است که دروس حضرت استاد -مدظله و روحی فداه - همراه با متن تصحیح شده از روی نسخه مصحح حضرت ایشان است. و برای این که مآدبه‌ای عام و فایده آن تام باشد، تمام تعلیقات معظم له نیز آورده شد. اگرچه مواردی از تعلیقات در ضمن دروس هم یافت می‌شود. و اگر مطلبی در ضمن دروس انشاء نشده ولی به نظر مقرر مناسب بحث بوده بعد از ذکر آن در پاورقی با عنوان (مقرر) مشخص شده است.

۵- شیخ رحمته الله در ورود به هر مطلبی که چندان نیازی به اقامه برهان و استدلال نبوده مصدر به «تنبيه» نموده است و در مورد مطلبی که باید استدلال بر آن شود به اشاره تعبیر فرموده است. لکن در این دوره که اکنون پیش روی دارید با تأسی از نسخه حضرت استاد -مدظله و روحی فداه - عنوان «فصل» نیز آمده. اگرچه این عنوان «فصل» را در شرحهای محقق طوسی و فاضل شارح در ضمن مباحث می‌یابید. و جهت سهولت در دسترسی مباحث از طریق فهرست کتاب، فصول نمطها را شماره گذاری نیز نموده‌ایم.

تذکر چند نکته

۱- ما این دروس را از روی نوارهای ضبط شده توسط دفتر خیر نهاد تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم پیاده کردیم و بدین صورت تقدیم علاقه‌مندان به علوم و معارف الهی نموده‌ایم و باشد که مصداق حدیث شریفی باشیم که از حضرت مولی الموحدين عليه السلام رسیده است: «من كشف مقالات الحكماء انتفع بحقائقها»^(۳) و در همین راستا از زحمات جمعی از خواهران خصوصاً سرکار خانم علائی که در پیاده نمودن

۱. نجم / ۵۳ - آیه / ۳۲.

۲. اصول کافی، کتاب فضل العلم، باب صفة العلم حدیث ۸.

۳. علم و حکمت، ری شهری، حدیث شماره ۳۳۸ نقل از غرر الحکم ۹۲۴۱.

نوارها زحمات بی شائبه‌ای را متحمل شده‌اند تقدیر و تشکر می‌نمایم.

۲- از راهنمایی‌های مشفقانه و زحمات فراوان برادر گرامی، فاضل ارجمند توانا، حائز به منقبتین علم و عمل جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدحسین نائیکی علی مجده و دام وجده^(۱) و عنایتی که در مطالعه تمام کتاب فرمودند، نهایت قدرشناسی و تشکر را دارم.

۳- از مدیر محترم کتابسرای اشراق جناب آقای سیدتاج‌الدینی که در طبع و نشر این اثر قبول زحمت نموده‌اند ضمن سپاسگزاری از درگاه حضرت حق سبحانه و تعالی آرزوی موفقیت روزافزون برای ایشان و همه خادمان علوم الهی می‌نمایم.

۴- تذکر و اعتداز: بدیهی است محسناتی که در این کتاب تجلی کرده از زبان مبارک و گویا و شیرین و لطیف حضرت استاد علامه بوده و نقایص و کاستی‌های آن از ضعف و نقص مقرر است. رجاء واثق دارم که دانشورانی که این کلمات را می‌نگرند لغزشها را با دیده کرامت، اغماص کرده و مرا رهین منت خود کرده و آن را گوشزد می‌نمایند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

قم المقدسه - سیدعلی حسینی آملی

۸۴/۴/۲۸

۱. تعابیر از حضرت استاد می‌باشد که در مقدمه ترجمه فص حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیة آمده است.